

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

تلاش‌های جهانی بمنظور دریافت راه‌حل‌های منطقی

پس منظر مذاکرات سه ضلعی و پیامدهای احتمالی آن
محاسبات غلط در مسایل تأمین صلح در کشور

روابط جنگ برچه بنیادی استوار می‌باشد؟
نحوه نگاه به قضایای موجود کشور
دیدگاه تاریخی و دیدگاه فلسفی
توافقی‌های حاصله

شیوه‌های محلی حل منازعه، ترکیبی است از رسوم رایج در روستاها، برداشت‌های محلی و ملی از قانون شریعت، آیین دادرسی و قانون و رسوم مروج درکوچکترین واحدهای اداری کشور. تحقیقات و ارزیابی‌هایی درباره شیوه‌های محلی حل منازعه در افغانستان در مورد میکانیزم و بهدفع گسترش و ازدیاد معلومات در مورد چگونگی حل منازعه آغاز گردید. اینکه چه کسانی در حل منازعات منطقه‌ی نقش و اهمیت دارند و چگونه با اعمال قدرت می‌پردازند؟ راه‌های حل منازعات را باید آشکار و مشخص نمود.

در آغاز سخن، قابل تذکر پنداشته می‌شود که در تسلسل فعالیت‌ها و تلاش‌هایی در زمینه حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور، بتاريخ ۲۵ ماه اپریل سال روان، مسکو شاهد دیدار و گفتگوهای نماینده‌هایی از روسیه، چین و ایالات متحده در مورد معضلات افغانستان بود. وضعیت کنونی کشور ما بویژه پس از اعلام آغاز حملات بهاری - تابستانی "طالب"ها، در مرکز توجه مجامع بین‌المللی قرار گرفت. اما متذکر باید گردید که آمادگی‌ها و تلاش‌هایی در امر تدویر نشست و گفتگوهای بین‌افغانی نیز بمشاهده می‌رسد. در اوضاع و احوال کنونی، صحبت از موفقیت مذاکرات مطرح، قبل از موقع می‌باشد. چنانچه همه می‌دانند که در طول مدت زمان ۱۸ سال، با موجودیت و حضور قوت‌های نظامی و جنگی ایالات متحده و ناتو، صلح و ثبات در اراضی کشور تأمین نگردیده، وضعیت روز تاروز بگونه دراماتیکی به تشنج گراییده و بویژه مواضع "دولت اسلامی" و سایر گروه‌های تروریستی تحکیم و گسترش یافته و اوضاع کشور پیوسته ناپایدارتر می‌گردد. چند روز قبل، با اعلام فصل بهاری - تابستانی عملیات "طالب"ها، قوت‌های مسلح کشور شاهد تحرکات و حملات وسیع جنگی و نظامی آنها بوده که در اثر آن، بازهم متأسفانه بیشترین تلفات شامل حال افراد ملکی کشور گردید. قوت‌های مسلح کشور شامل اردو، پولیس و امنیت ملی، در قبال حملات و فشارهای اینچنینی مقاومت نموده و به جواب متقابل پرداختند. اما باید یادآور شد که با چنین وضعیتی بمشکل بتوان از استقرار اوضاع و عادی شدن وضعیت در کشور سخن گفت. شرایط و چگونگی وضعیت موجود در کشور، واقع‌نگران‌کننده می‌باشد. نباید فراموش نمود که بویژه طی ماه‌های پسین، پروسه حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور، بگونه بی‌سابقه‌ای تحرک‌ها

صل نموده است. تاکنون پنج دور مذاکرات و گفتگوهای مستقیم فرستاده ایالات متحده و نماینده های دفتر "طالب" ها در دوحه، انجام پذیرفته است. از اطلاعات و گزارش های بنشر رسیده چنین استنباط می گردد که از جمله مسایل مورد بحث، مسأله خروج قوت های نظامی ایالات متحده و ناتو از اراضی افغانستان، درصدا جندای مذاکرات قرار داشت. مسأله مصالحه میان طرف های درگیر قضایای کشورما، مشکل دیگر است که در گفتگوهای یادشده، بآن توجه جدی و همه جانبه ای مبذول گردید. "طالب" ها یگانه شرط آغاز و انجام مذاکرات و گفتگوهای مستقیم با نماینده های حاکمیت سیاسی کشور را خروج قوت های نظامی و جنگی خارجی از افغانستان می پندارند.

در این مقطع سوالی مطرح می گردد که آیا افغان ها بدون موجودیت و حضور طرف ثالث، میان هم راحت تر به بحث و گفتگو مبادرت خواهند ورزید؟ آیا ملاقات و گفتگوهای مطرح نماینده های حکومت وحدت ملی و "طالب" ها در دوحه و همچنان لویه جرگه مشورتی که روز دوشنبه در کابل بکارش آغاز نمود، جاده و مسیر کنونی را عوض خواهد نمود؟ در پاسخ باید یادآور شد که بلی، گفتگو میان خود افغان ها می تواند بانگیزه خلاقانه ای در امر مذاکرات مبدل گردد. نخستین دیدار و ملاقات سیاستمداران افغان تحت اسم نمادین "گفتگوهای بین الافغانی" در ماه حوت سال قبل در مسکو برگزار گردید. دومین دور مذاکرات در دوحه سازماندهی گردیده بود. بدین منظور، فهرست شرکت کننده ها از جانب حکومت وحدت ملی تهیه گردیده و اما جانب "طالب" ها با عدم موافقت شرکت اعضای معرفی شده دولت که در برگیرنده ۲۵۰ نفر بود، مذاکرات هم در هاله ای از ابهام قرار گرفت. با کمال تأسف که بگونه واضحی شاهد جاه طلبی های سیاسی و فردی برخی از نماینده های دولت بودیم که بنحوی از انحاء، میکانیزم های مؤثر حل و فصل مشکلات عمومی کشور را مورد تهدید قرار دادند.

مسأله ای که به لویه جرگه مشورتی ارتباط می گیرد، باید افزود که بتاريخ ۹ ماه ثور سال روان جرگه یادشده بکارش آغاز نمود، اما عده ای از سیاستمداران کشور، از جمله رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی و همچنان عده ای از کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری از شرکت در کار آن ابا ورزیدند. بدین ترتیب، سخن از پیشگویی در مورد آینده مذاکرات، بگمان اغلب که قبل از موقع می باشد.

باید متذکر گردید که به چه نحوه ای نیروهای خارجی قادرند تا در امر تدویر مذاکرات و گفتگوهای دوجانبه میان طرف های درگیر در قضایای کشورما، ممد و مؤثر واقع گردند؟ آیا ملاقات و مذاکرات سه جانبه روسیه، چین و ایالات متحده در مسکو نتایج قابل توجهی بدنبال داشت؟

قابل یادآوری می باشد که تنظیم ملاقات و اجرای گفتگوها در مورد اوضاع کشور و اعاده امنیت در اراضی کشور جنگ زده ما در اولویت قرار دارد. اما در هر ملاقات و گفتگویی باید منافع و مصالح کشور و آرزومندی های توده های میلیونی میهن ما مدنظر قرار داده شود. بگمان اغلب که با اجرای عملی و موفقیت آمیز پروژه مصالحه و آشتی ملی، همه جنگجویان بمفهوم وسیع کلمه، سلاح بر زمین نگذاشته و امکان جذب همه ی آنها در ساختار سیاسی کنونی کشور نیز میسر و مقدور نباشد و همچنان این هم ممکن می باشد که آنها در صفوف بنیادگرهای دیگر جذب گردند.

سعی و تلاش های بازیکنان بین المللی مطرح در قضایای کشورما در جهت کمک و معاونت به طرف های درگیر، برای جستجوی راهها و وسایل تدویر مذاکرات و گفتگوهای مستقیم بین الافغانی و حصول و دستیابی به راه حل های قابل قبول بمنظور نایل گردیدن به شرایط مصالحه ملی در کشور، متمرکز گردیده است. مسأله ای که به مذاکرات و گفتگوهای سه جانبه روسیه، ایالات متحده و چین ارتباط دارد، باید متذکر گردید که طرف های درگیر مناقشه کنونی، با تفاهم، تلاش های شان را در مورد حل و فصل قضایای موجود کشورما باید با هم هماهنگ سازند.

بمنظور دستیابی و حصول مأمول فوق، تبادل همیشگی و متقابل معلومات و مطالعه و بررسی تمامی گزینه های موجود در دستور کار قرار می گیرد. قابل تذکر پنداشته می شود که با سعی و تلاش جمعی، بگونه ای به تطبیق و اجرای عملی حقوق مردم کشور بمنظور تأمین زندگی صلح آمیز و باثبات در افغانستان موفق خواهیم گردید.

باید یادآور گردید که سایر کشورهای منطقه، بگونه ویژه ای خواهان و آرزومند استقرار صلح و ثبات در کشورما می باشند. امکان خطر تکرار و انتقال حوادث کنونی کشور به اراضی و سرزمین های کشورهای همجوار نیز عملن موجود می باشد. مناسباً ت و ارتباط میان کشورهای منطقه بگونه همیشگی و برپیناد حسن همجواری و احترام به تمامیت ارضی متقابل باید استوار و متکی باشد. احترام به استقلالیت، رشد و تکامل اقتصادی و تحکیم صلح در کشورهای همدیگر، باید اساس و بنیاد چنین مناسباً تی را تشکیل دهد.

دقیقن، نشست مسکو بمنظور دستیابی باهدف متذکره و حل و فصل جامع قضایای کشور، سازماندهی گردید. طی آخرین دیدار، درکنار نماینده های کشورهای منطقه، از بازیکنان عمده خارجی و "طالب"ها نیز دعوت بعمل آمد تا نماینده های شان را بمنظور شرکت درکار نشست یادشده به مسکو بفرستند. اقدام فوق بمفهوم وسیع کلمه، بمنظور دستیابی به تدویر مذاکرات بین الافغانی متمرکز گردیده بود.

متأسفانه در جریان ماهای پسین، تلفات اهالی ملکی کشور قوس صعودی پیموده و چنین وضعی همچنان ادامه دارد. ازوا شنگتن، اعلامیه های ضد و نقیضی درمورد خروج نظامیان آن کشور از افغانستان بنشر رسیده و اما از اقدام عملی درزمینه تا کنون خبری درمیان نمی باشد. درواقعیت امر، درکشور ما چه می گذرد و تا چه اندازه و معیاری، نیروهای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده برشرایط و وضعیت کشور ما اثر گذار می باشند؟

چنانچه بهمگان واضح و روشن گردیده که دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، از امر فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان حمایت بعمل آورده و چنین استدلال می نماید که ایالات متحده درطول مدت زمان ۱۸ سال، در افغانستان به ارزش یک تریلیون دالر هزینه نموده و بتعداد بیشتر از دو نیم هزار تن از نظامیان آن کشور، حیات شان را از دست دادند. اما مخالفان خروج قوت های نظامی ایالات متحده از افغانستان، باین امر پافشاری می ورزند که بسادگی از میدان بدر رفتن، نهایت گران تمام خواهد شد.

پرسش فوق بگونه جدی در مذاکرات و ملاقات نماینده ایالات متحده با هیأت نمایندگی "طالب"ها در دوحه نیز مطرح گردید. با این وجود، تاکنون هم تاریخ دقیق خروج نظامیان ایالات متحده و ناتو از اراضی متعلق به کشور ما مشخص و معین نگردیده است. از نقطه نظر نظامی، قبل از خروج و فراخواندن نظامیان متذکره از افغانستان، اقدامات و تلاش های معینی بعمل آمد تا قوت های مسلح کشور ما بگونه مستقلانه قادر به تأمین و دفاع امنیت در افغانستان، گردند.

باین امر باید باور حاصل نمود که مأموریت ناتو بر رهبری ایالات متحده تحت عنوان "حمایت قاطع" که طی سال ۱۳۹۳ جا گزین نیروهای بین المللی تأمین امنیت گردید، در عرصه ایجاد ساختارهای قدرت در امر مبارزه علیه تهدیدات موجود و دفاع از قوت های مسلح کشور در قبال تهدیدات ناشی از تروریسم و مواد مخدر، با شکست و عدم موفقیت مواجه گردید. سطح نازل و غیر قابل قبول آموزش و آمادگی های رزمی قوت های مسلح کشور، سبب ازدیاد و افزایش تلفات قوت های مسلح کشور گردید. در تعداد و شمار نیروهای ارتش و پولیس ملی کشور بدلیل کاهش در مصارف، تقلیل بعمل آمده و در نتیجه عملکردهای جنگی مخالفان نظام و در اثر چگونگی اقدامات قوت های مسلح کشور و نیروهای بین المللی تأمین امنیت، در تلفات اهالی ملکی کشور، افزایش بعمل آمد.

قوت های جنگی ائتلاف بین المللی تحت رهبری ایالات متحده با وجود دسترسی به وسایل و امکانات وسیع و گسترده، قادر به تأمین امنیت سراسری در کشور ما نگردیدند.

نتایج بدست آمده ۱۸ سال پشتیبانی و حمایت از افغانستان و جنبه های مثبت و منفی قضایا بصورت یک کل در چه نهفته می باشد؟

طی مدت زمان ۱۸ سال موجودیت نظامیان امریکایی در افغانستان، ایالات متحده در تحکیم پایه های قدرت سیاسی در کشور ما، بگونه مشخصی یاری رسانیده و کمک های معینی را انجام داد. از میان موارد مطرح، یکی هم می توان از تصویب قانون اساسی کشور در لویه جرگه سال ۱۳۹۳ نامبرد. برای نخستین مراتبه پس از مدت زمان قابل توجهی، پارلمان کشور کارش را از سر گرفت. در کشور برای نخستین بار انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده و دستاوردهایی در عرصه حقوق بشری نیز قابل ذکر پنداشته می شود. بدین ترتیب، در نتیجه چنین اقدامه دعوا می گردد که در اثر تلاش های نیروهای بین المللی تأمین امنیت و حامیان بین المللی، افغانستان از بسیاری صفات و ویژگی های یک دولت دموکراتیک برخوردار گردید.

در عین زمان، نباید از نقض قانون آنهم بگونه مکرر توسط حاکمیت سیاسی کشور چشم پوشی بعمل آید. از موجودیت تفاهم و مدارا میان دوبخش حکومت وحدت ملی (ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه)، اصلن سخنی در میان نمی باشد. بلاخره پس از چند ماه تأخیر و با عدم اجرای انتخابات در بسا از ولایت های کشور و عدم اعلام نتایج انتخابات پارلمانی کابل، در ماه ثور سال و ان پارلمان کشور توسط رئیس جمهور اشرف غنی افتتاح و بکارش آغاز نمود. اما انتخابات ریاست جمهوری نیز که قرار بود در ماه ثور صورت گیرد، به ماه میزان سال روان به تأخیر مواجه گردید که نتیجه آن میتواند منجر به تغییرات قابل ملاحظه ای در سیاست داخلی کشور گردد.

از سال ۱۳۸۱ الی ختم سال ۱۳۹۷، دولت ایالات متحده بمنظور کمک در عرصه رشد و انکشاف سیاسی - اجتماعی کشور، مبلغ ۳۴ میلیارد دالر هزینه نمود. از مجموع وجوه متذکره، مبلغ ۲۰٫۵ میلیارد دالر از طریق برنامه انکشاف بین المللی (یو. اس. آی. دی) در کشور بمصرف رسید.

با این حال، نحوه و چگونگی سرمایه گذاری های خارجی با در نظر داشت وضعیت اجتماعی - سیاسی در کشور ما، طوری سازماندهی گردیده که آخرین، اهدا کننده های خارجی، بگونه جدی در مورد اثر بخشی کمک های ارائه شده، ابراز شک و تردید می نمایند.

از جهت دیگر، این مسأله نیز قابل تذکر می باشد که نفوذ "دولت اسلامی" در افغانستان که از کشورهای سوریه و عراق به افغانستان نقل مکان داده شدند، بیش از هر موقع دیگر وسعت حاصل نموده، به تحکیم مواضع شان در اراضی کشور ما مبادرت و تلاش می ورزند.

اعضای جنگجویان "دولت" متذکره بگونه مخفی و غیر علنی به اجرای فعالیت های شان می پردازند. آنها با استفاده از وسایل مختلف، در پی سر باز گیری از قشرجوان کشور بوده و همچنان نباید فراموش نمود که عده ای از جنگجویان گروه بندی اخیر الذکر را جنگجویان "طالب" ها تشکیل می دهند.

در ایام پسین، فعالیت های آنها بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته و در بخش های مختلف جامعه، بویژه بر قشر جوان کشور که از نبود کار و مصروفیت و عدم عاید حداقل بمنظور اعاشه خود و خانواده در رنج و عذاب می باشند، نفوذ و اثر گذاری آنها بمشاهده رسیده و در این زمینه، عده بیشتری به صفوف آنها جلب می گردند. با تشدید ناامنی در کشور، بتعداد جنگجویان گروه یاد شده نیز افزون بعمل می آید.

بیشترین فعالیت های قابل توجه گروه تروریستی نامبرده در شرق و همچنان در شمال کشور و بویژه در مناطق هم مرز با دول کشورهای آسیای مرکزی متمرکز گردیده است. بدلیل فوق، فدراتیف روسیه و کشورهای متذکره نیز از این رهگذر مورد تهدید قرار خواهند گرفت.

پرسش دیگری هم در مورد مطرح می باشد و آن اینکه آیا بر علیه زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور، مبارزه واقعی و درخور توجه صورت می گیرد؟

در این باره قابل یادآوری می باشد، با وجود آنکه در مجموعه ساختار پولیس کشور، تشکیلاتی در امر مبارزه علیه مواد مخدر موجود بوده و همچنان از طریق وسایل اطلاعات جمعی، بگونه مکرر در مورد از بین بردن و محو کشتزارهای کوکنار و دستگیری قاچاقبران آن توسط نیروهای انتلاف به نشر می رسد، اما تاکنون شاهد دستاورد قابل توجهی در زمینه یاد شده نمی باشیم.

در مورد چگونگی مبارزه علیه مواد مخدر در کشور، چندی قبل جان سپکو، سرمفتش بازساری افغانستان (سیگار)، طی گزارشی به کانگرس ایالات متحده اظهار داشت که هیچ برنامه و طرحی در امر مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان و منطقه، موفقیت آنچنانی در پی نداشت. نامبرده ادامه داده افزود که ایالات متحده، در امر مبارزه علیه مواد مخدر مبلغ ۸٫۸۷ میلیارد دالر هزینه نموده است.

آیا در مورد مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر در کشور، موفقیت قابل قبولی متصور نبوده و همه سعی و تلاش در مورد، ناامید کننده محسوب می گردد؟

قابل یادآوری می باشد که سال پار، کشور ما شاهد خشکسالی بوده و در تولید مواد مخدر نیز کاهش قابل ملاحظه ای بعمل آمد. طی ماهای پسین، پس از بارندگی ها در کشور، به جمع آوری خشخاش نیز آغاز خواهند نمود.

اما مشکل و معضله نه تنها با چگونگی وضعیت جوی و آب و هوا ارتباط دارد، بلکه تداوم فعالیت ها و عملکردهای جنگی در کشور، بگونه مستقیمی با معضلات اجتماعی و اقتصادی و از جمله با فاکتور جمع آوری سود از تولید مواد مخدر توسط گروه بندی های تروریستی نیز بستگی دارد که چنین وضعیتی، در واقعیت امر، امیدواری ها بمنظور کاهش گسترش مواد متذکره را به یأس مبدل می نماید.

رهایی از تروریزم و مواد مخدر، در امر تأمین ثبات و استقرار در کشور، حتمی و لازمی پنداشته می شود. این مسأله نیز قابل تذکر می باشد که هر چند، موجودیت دموکراسی بگونه حداقل آن در کشور عزیز ما نتیجه قربانی ها و مبارزه فعال افغان ها می باشد، بهترین فرزندان این کشور و جانبازترین سربازان سربکف این مرز و بوم با قربان نمودن هستی و موجودیت شان، در

آرزوی صلح و سلم جامعه و کشور خود، جام شهادت نوشیدند. نباید فراموش خاطر ما گردد که هنوز راه و مسیر طولانی و پر خم و پیچی بمنظور ایجاد افغانستان معمور و سربلند در پیشروی ما قرار داشته و کارهای زیادیست که باید بسرانجام رسد. "طالب"ها بخشی از مشکل و مانع استقرار صلح و امنیت در کشور بوده و بخش دیگر مشکل که بیش از همه قابل ذکر محسوب می گردد، مداخله خارجی ها در امور داخلی کشور عزیز ما می باشد که قبل از همه، در برگیرنده نیروها و قدرت های منطقوی می باشد.

در اراضی متعلق به کشور ما، در کنار آنکه جنگجویانی چون چیچین ها، ایگورها و عرب ها علیه مردم کشور ما به مبارزه و جنگ تداوم می بخشند، بسیاری از سازمان ها و دسته بندی ها، در امور و مسایل سیاست داخلی کشور ما نیز دست بالایی داشته و در بخش های مختلف جامعه افغانی تأثیر گذاری می باشند.

مطابق آخرین داده های اطلاعاتی و اخبار به نشر رسیده، هیأت نمایندگی ایالات متحده و نماینده های "طالب"ها در دوحه در مورد تدویر مذاکرات بین الافغانی به شور و بحث پرداختند. مسأله یادشده، طی اعلامیه وزارت امور خارجه قطر نیز به نشر رسید.

در اعلامیه یادشده، تذکر بعمل آمده که بتاريخ اول ماه می سال روان، دور جدید مذاکرات میان ایالات متحده و "طالب"ها که در نوع خود، بمثابة تداوم دورهای دوگانه قبلی محسوب می گردد، انجام پذیرفت.

مطابق اخبار به نشر رسیده، در جریان ملاقات و گفتگوی دوم ماه می، طرف های شرکت کننده، چهار موضوع گنجانیده شده در طرح موافقتنامه، از جمله در مورد خروج قوت های نظامی ایالات متحده از اراضی افغانستان و تشکیل و سازماندهی گفتگوهای بین الافغانی را مورد بحث و گفتگو قرار دادند.

همچنان در اعلامیه تذکر بعمل آمده که قطر در مذاکرات یادشده بمثابة میانجی شرکت می ورزد. این واقعیت راهگر نباید فراموش نمود که صرف و تنها افغان علیه افغان مبارزه ننموده، بلکه جنگ و مبارزه در کشور ما، بیش از همه و قبل از سایر موارد، ابعاد بین المللی بخود اختیار نموده است.

در اینجا درگام نخست، سخن از برخورد و رویارویی طرفداران اسلام معتدل و بنیادگرهای مذهبی، مطرح بحث می باشد. در این پرسش که ایده بنیادگرایی از کجا وارد افغانستان گردید، باید یادآور شد که چنین مفکوره و برداشت منحصر بفرد از دین و مذهب متعلق به افغان ها نبوده بلکه از خارج محدوده کشور ما و برای نخستین بار توسط سازمان ها و چهره های شریری "مبارزان برای نهادینه ساختن ایمان واقعی" به کشور ما فرستاده شدند تا با خشونت، ظلم و ستم، کشتار و خونریزی را در کشور ما انجام دهند.

به یقین کامل که با بررسی واقعی و بیطرفانه حوادث قبلی و تحركات در شرف تکوین در کشور، واقعیت ها برملا خواهد شد.

چهارم ماه می سال ۲۰۱۹